



۱ دو متن زیر را بخوان و بگو این دو متن چه تفاوتی با هم دارند.

الف) هنگام اجرای مراسم صبحگاهی بود باران نم نم شروع به باریدن کرد بچه‌ها خوش حال شدند آقای ناظم گفت ورزش لازم نیست خیلی زود به کلاس بروید

ب) هنگام اجرای مراسم صبحگاهی بود. باران نم نم شروع به باریدن کرد. بچه‌ها خوش حال شدند. آقای ناظم گفت: «ورزش، لازم نیست خیلی زود به کلاس بروید.» همان‌طور که متوجه شدی متن «الف» نشانه‌های نگارشی ندارد. درک این نوع متن‌ها، سخت‌تر است و گاهی معنی آن‌ها به درستی دریافت نمی‌شود.

۲ چرا در پایان داستان ضرب‌المثل «هر چه کنی به خود کنی»، مرد فروشنده به فکر فرورفت؟

چون فهمید که نتیجه‌ی کار بدش به خودش باز می‌گردد.

۳ متن زیر را بخوان و برای هر سؤال پاسخ مناسب بنویس.

روزی، روزگاری مردی کلاهی خرید؛ کلاهی که سال‌های سال آرزوی خریدن آن را داشت. او کلاه را بر سر گذاشت و بسیار خوش حال شد؛ اما خوش حالی او زیاد طول نکشید. روزی کنار جوی آبی نشست تا دست‌هایش را بشوید. آن وقت عکس خودش را در آب دید. چقدر کلاهش زیبا بود! برای اینکه بهتر کلاه را ببیند، سرش را پایین‌تر آورد؛ خم شدن در آب همان و از دست دادن کلاه همان.

الف) آیا آن مرد کم‌سن بود. از کجا فهمیدی؟

خیر. چون سال‌های سال آرزوی خریدن کلاه را داشت.

ب) چرا خوش حالی مرد زیاد طول نکشید؟

چون مراقب کلاهش نبود و آن را به خاطر بی‌توجهی خیلی زود از دست داد.

ج) مرد چگونه کلاهش را از دست داد؟

چون وقتی می‌خواست خودش را در آب ببیند سرش را خیلی پایین آورد

کلاهش در آب افتاد

